

توجیه ساختاری به مثابه دستاورد درون‌گروی آئودی

۱ محسن شمس

۲ امیرحسین منصورنوری

۳ عبدالله صلواتی

۴ عین‌الله خادمی

چکیده

تحلیل سه جزئی متعارف درباره معرفت، معرفت را «باور صادق موجه» می‌داند و ضابطه‌ی معرفت را تحقق سه شرط باور، صادق، و توجیه معرفی می‌کند. در این میان شرط توجیه بیش از دو شرط دیگر محل بحث بوده است. معرفت‌شناسان عموماً توجیه را در دو قسم توجیه باوری و توجیه وضعیتی پیگیری می‌کنند. لیکن آئودی، توجیه را چهار قسم می‌داند؛ توجیه باوری، توجیه وضعیتی، توجیه گزاره‌ای و توجیه ساختاری. توجیه ساختاری نوآوری و حاصل دیدگاه درون‌گروانه‌ی آئودی به توجیه است. درون‌گروی و برون‌گروی دو دیدگاه رقیب در تبیین معرفت و توجیه هستند. آئودی در توجیه قائل به درون‌گروی مبتنی بر دسترسی اقلی است و توجیه ساختاری ثمره‌ی دیدگاه خاص وی به توجیه است. با عنایت به اینکه، یکی از انتقادات مهم برون‌گروان به درون‌گروی، نامتعیّن و ذهنی دانستن آن است، پیامد نوآوری آئودی، صورت‌بندی و تعیین توجیه در رویکرد درون‌گروانه به عنوان یک فرآیند از ابتدا تا رسیدن به توجیه باوری مورد نیاز برای معرفت، و در نتیجه تقویت دیدگاه درون‌گروی به توجیه در مقابل برون‌گروی است. در این پژوهش از روش تحلیل محتوا استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها: توجیه، توجیه ساختاری، برون‌گروی، درون‌گروی، آئودی.

۱- دانشجوی دکتری فلسفه دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران (نویسنده مسؤول). mohsenshams68@gmail.com

۲- دانشجوی دکتری فلسفه دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران. Amirhoseindoaa@gmail.com

۳- دانشیار فلسفه دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران. salavati2010@gmail.com

۴- استاد فلسفه دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران. e_khademi@ymail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۱/۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۴/۱

بیان مسأله

بر مبنای تحلیل سه جزئی معرفت، (S) وقتی به (P) معرفت دارد که:

۱. (S) به (P) باور داشته باشد. (B_{sp})

۲. P صادق باشد. (P)

۳. باور (S) به (P) موجّه باشد. (J_{sp})

باور صادق، تنها وقتی معرفت است که موجّه^۱ یا دارای دلایل کافی باشد. باور صادق بدون دلیل را معرفت نمی‌دانیم چرا که ممکن است، فقط ناشی از خوش‌شانسی باشد (Moser, 1999-sv Epistemology-the Justification condition, p275). برای دست‌یابی به معرفت، شرط باور باید به نحو مناسبی به شرط صدق^۳ مرتبط شود (Ibid). این نحو مناسب همان است که از آن به شرط توجیه^۴ یاد می‌کنیم. گاهی هم ممکن است در باور داشتن به یک گزاره موجّه باشیم اما به آن معرفت نداشته باشیم، این در جایی است که شرط صدق وجود ندارد. هر چند شرط صدق و توجیه رابطه‌ی مستقیم و بسیار تنگاتنگی با هم دارند و غالباً باور غیر صادق، واجد توجیه هم نیست، لیکن صدق به عنوان یک شرط مستقل از توجیه مطرح می‌شود زیرا باور موجّه کاذب نیز قابل تصور است که در این حالت به دلیل فقدان شرط صدق، معرفت وجود ندارد.

غالب پژوهش‌های معرفت‌شناسانه درباره توجیه معرفتی^۵ را می‌توان در یکی از دسته‌های زیر جای داد:

۱. ماهیت و معنای توجیه: دسته‌ی اول پژوهش‌هایی هستند که به مفهوم و ماهیت توجیه می‌پردازند (Ibid, sv Epistemology-the kinds of knowledge, p273). در این بخش باید گفت توجیه چه چیزی هست و چه چیزهایی نیست. طبیعتاً دست‌یابی به نظریه و ضابطه‌ی توجیه، هنگامی معنادار می‌شود که بدانیم به دنبال چه چیزی هستیم. توجیه چیست؟ توجیه حقیقتی متواطی است یا مشکک؟ آیا می‌توان برای آن اقسامی در نظر گرفت یا خیر؟ توجیه، امری درونی^۶ است یا بیرونی^۷؟ اینها پرسشهایی هستند که در این دسته از پژوهش‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۲. منابع توجیه: دسته دوم پژوهش‌هایی هستند که منابع معتبر برای توجیه را بررسی می‌کنند. پرسش اصلی در خصوص منابع این است که چه منبعی و عند الإقتضاء با چه ضابطه‌ای می‌تواند برای باورنده توجیه آور باشد؟

- 1 . Justified
- 2 . The Belief Condition
- 3 . The Truth Condition
- 4 . The Justification Condition
- 5 . Epistemic Justification
- 6 . Internal
- 7 . External

توجیه ساختاری به مثابه دستور درون‌گروی آئودی ۴۷

۳. ساختار توجیه: پرسش اصلی این طیف پژوهش‌ها این است که: «باورهای آدمی چگونه با یکدیگر در ارتباط اند؟» در یک دیدگاه میناگروانه^۱ بعضی باورها توجیه خود را از باورهای دیگر می‌گیرند و بعضی باورهای دیگر را موجه می‌سازند و در یک دیدگاه انسجام‌گروانه^۲ همه‌ی باورها همزمان توجیه‌گر سایر باورها و توجیه شده توسط سایر باورها هستند. وقتی می‌پرسیم ساختار توجیه چگونه است، در واقع تلاش می‌کنیم بفهمیم، چینی باورها در سازه‌ی معرفتی انسان چگونه است.

۴. هدف نوشتار حاضر بررسی نوآوری رابرت آئودی^۳، معرفت‌شناس لبنانی-آمریکایی معاصر در توجیه یعنی توجیه ساختاری است که ناشی از نگرش درون‌گروانه‌ی وی به توجیه است. بنابراین از میان سه دسته‌ی یادشده، در دسته‌ی نخست پژوهش‌ها طبقه‌بندی می‌گردد. توجه به تفکیک یادشده میان پژوهش‌ها، ضروری است و بحث از توجیه ساختاری با بحث ساختار توجیه متفاوت است.^۴

مسأله‌ی اصلی این نوشتار «تحلیل نظریه‌ی توجیه ساختاری آئودی به عنوان یکی از اقسام توجیه و تبیین رابطه‌ی آن با دیدگاه درون‌گروانه‌ی وی در توجیه است» و بدین منظور از روش تحلیل محتوا استفاده شده است.

بر این اساس توجه به پرسش‌های زیر ضروری است:

- ۱. اقسام توجیه در دیدگاه آئودی چیست و توجیه ساختاری دارای چه جایگاهی در میان آنها است؟
- ۲. دیدگاه ویژه‌ی آئودی در درون‌گروی چیست و چگونه منتج به توجیه ساختاری می‌شود؟
- ۳. اساساً اقتراح توجیه ساختاری آئودی چه فایده‌ای دارد و چه کمکی به تبیین معرفت و توجیه می‌کند؟

پیشینه

در این بخش پیشینه‌ی بحث توجیه، در بستر تاریخی و پژوهشی ارائه می‌شود.

پیشینه تاریخی

در میان آثار باقی‌مانده‌ی منسوب به افلاطون^۵، رساله‌ی ته‌ته‌توس^۱ به موضوع معرفت و شناسایی می‌پردازد (Plato, 1997 Theaetetus, 201d, 202c). گفتگو و پرسش و پاسخ دیالکتیکی روش سقراطی افلاطون

1 . Foundationalism

2 . Coherentism

3 . Robert Audi

۴. از این جهت که شباهت تعبیر موجود در موضوع این مقاله یعنی توجیه ساختاری با ساختار توجیه^۴ نباید ما را به اشتباه بیاندازد. توجیه ساختاری یکی از گونه‌های توجیه در ادبیات آئودی است اما ساختار توجیه عبارتی متداول در میان معرفت‌شناسان است که به نظریه‌های توجیه مورد اتباع معرفت‌شناسان که معروف تریشان میناگروی و انسجام‌گروی است می‌پردازد. باید توجه داشت که بررسی ساختار توجیه از دیدگاه آئودی موضوع این نوشتار نیست.

5 . Plato

برای کشف حقیقت است (Heinaman, 1997, sv Epistemology-the Theaetetus and the sophist, p 350). مکالمه‌ی افلاطون با تئتوس، بیشتر جنبه‌ی سلبی و منفی دارد. وی سعی می‌کند روشن کند که معرفت^۱، چه چیزهایی نیست (Copleston, 1993, p142).^۲ افلاطون در پرسش‌هایش از تئتوس، تعریف معرفت به ادراک حسی^۳، به حکم صادق^۴ و حتی حکم صادق به همراه یک دلیل^۵ که بعضی معادل «باور صادق موجه»^۶ می‌دانند را نیز به چالش می‌کشد (Heinaman, Ibid).

به هر حال، مکالمه‌ی ماندگار سقراط و تئتوس باعث شد که نخستین تلاش برای تحلیل معرفت را به افلاطون و پیشنهادی تحلیل معرفت به «باور صادق موجه» را به افلاطون و کانت نسبت دهند (Moser, 1999, SV Epistemology-the kinds of knowledge, p273). تحلیل سه جزئی^۷، تا به امروز مشهورترین تحلیل در خصوص معرفت بوده است.

معرفت‌شناسان در خصوص شرط توجیه، به دو دسته‌ی بزرگ درون‌گرا و برون‌گرا تقسیم می‌شوند. آغاز برون‌گروی را در نتیجه تلاش‌هایی که سعی می‌کردند به اشکال مثال نقض گتیه^۸ بر تعریف سنتی معرفت به «باور صادق موجه» پاسخ دهند، دانسته‌اند (Goldman, 1967, p1).

پیشینه پژوهشی

در مقالات فارسی، توجیه‌گاه به عنوان شرط ضروری معرفت، ذیل تحلیل معرفت، مطرح شده است و گاه موضوع اصلی مقاله بوده است. به طور کلی مقالاتی که توجیه را موضوع اصلی پژوهش و تحلیل قرار داده‌اند انگشت شمار اند. برخی مقالات نیز به معرفی و نقد و بررسی یک نظریه‌ی توجیه خاص پرداخته‌اند، مانند: وثاقت‌گرایی در توجیه از مسعود الوند^۹، طبیعت‌گرایی از رضا اکبری^{۱۰}، انسجام‌گرایی تبیینی در توجیه

1 . Theaetetus

2 . Knowledge (Episteme in Greek)

۳ . کاپلستون معتقد است که نظریه‌ی ایجابی افلاطون درباره‌ی معرفت را باید در رساله‌ی جمهوری وی و به موازات هستی‌شناسی اش جستجو کرد هر چند که اساساً جمهوری یک نوشته‌ی معرفت‌شناسانه به حساب نمی‌آید (Copleston, 1993, p142).

4 . perception

5 . True Judgment

6 . True judgement with an account.

7 . Justified True Belief

8 . Tripartite Analysis

9 . Gettier's counterexample

۱۰ . پژوهشنامه فلسفه‌دین، پاییز و زمستان ۱۳۸۲، شماره ۲، ص ۷۳-۱۰۴.

۱۱ . پژوهشنامه فلسفه‌دین، بهار ۱۳۸۲، شماره ۱، ص ۸۹-۱۰۶.

معرفت در ترازوی نقد از علی ارشدریاحی و زهرا توکلی^۱.

و برخی دیگر به بررسی توجیه از دیدگاه یک فیلسوف پرداخته اند، مانند:

توجیه معرفت‌شناسی از دیدگاه ویتگنشتاین متأخر نوشته محمدحسین مهدوی نژاد، بیوک علیزاده و رضا محمدزاده^۲، بررسی تحلیلی توجیه برون‌گرایانه و درون‌گرایانه در معرفت‌شناسی سوئین برن نوشته فائزه گلشنی منفرد و قاسم پورحسن^۳.

جستجوی نویسندگان نشان می‌دهد پژوهشی که به بررسی دیدگاه‌های معرفت‌شناسی رابرت آئودی پرداخته باشد وجود ندارد. در مقابل برخی محققین نظریات وی را در فلسفه‌ی اخلاق و فلسفه‌ی دین بررسی کرده‌اند و وجه معرفت‌شناسانه‌ی او را واگذاشته‌اند مانند: بررسی عقلانیت و ایمان از دیدگاه رابرت آئودی نوشته علیرضا درّی نوگورانی^۴.

آئودی شخصیتی تأثیرگذار در معرفت‌شناسی است که در پژوهش‌های فارسی زبان کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است، و تنها بخش کوچکی از آثار وی در مجلات علمی و به صورت کتاب، ترجمه شده است.

اقسام توجیه و توجیه ساختاری در دیدگاه آئودی

درک عمیق و دقیق نوآوری آئودی مستلزم آشنایی با اقسام توجیه از دیدگاه آئودی است که موضوع بخش نخست است. در بخش دوم سعی می‌کنیم تا در اندیشه‌های بنیادی تر آئودی، سر نخ‌هایی متناسب با توجیه ساختاری بیابیم. بخش سوم نیز به ارتباط این چهار قسم با یکدیگر از دیدگاه آئودی اختصاص دارد و به طور خاص به تبیین جایگاه قسم ساختاری در میان سایر اقسام می‌پردازد.

اقسام توجیه از دیدگاه آئودی

آئودی توجیه را چهار قسم می‌داند. قسم سوم و چهارم از اقسام توجیه، بی سابقه و نوآوری خود او است. هر چند او معتقد است آنچه او با عنوانی نو به رسمیت می‌شناسد، پیش از او وجود داشته اما معرفت‌شناسان به آن کم توجهی کرده‌اند.

توجیه باوری: هنگامی که ما به طور موجه چیزی را باور داریم، واجد توجیه اعتقادی^۵ یا به بیان روان‌تر دارای توجیه باوری^۶ هستیم. دارا بودن این توجیه به بیان ساده، داشتن باور موجه است (Audi, 1993, p274).

۱. ذهن، زمستان ۱۳۹۵، شماره ۶۸، ص ۹۹-۱۲۰.

۲. پژوهشنامه فلسفه دین، بهار و تابستان ۱۳۸۵، شماره ۷، ص ۲۱-۵۶.

۳. ذهن، پاییز ۱۳۹۶، شماره ۷۱، ص ۵-۳۰.

۴. پژوهش‌های فلسفی، بهار و تابستان ۱۳۹۵، شماره ۱۸، ص ۳۳۰ تا ۳۵۸.

5 . Doxastic justification

6 . Belief justification

موجه بودن در باور به چیزی، یعنی برخورداری از توجیهی برای باور کردن آن (Idem, 2011, p3). معمولاً از تمام حق خودمان برای باور داشتن استفاده نمی‌کنیم. در واقع موضوعات فراوانی وجود دارد که در وضعیتی هستیم که می‌توانیم بهشان باور داشته باشیم، اما عملاً باوری در مورد آنها نداریم. مانند این گزاره که «افراد عادی در روز، یکصد لیتر آب نمی‌نوشند» (Ibid).

توجیه وضعیتی^۱: پیش از آنکه به چیزی باور داشته باشیم، باید در موقعیت باور داشتن به آن قرار بگیریم به نحوی که اگر سایر شرایط (مثل توجه پیدا کردن به موضوع مورد نظر، سلامت ذهن و درست کار کردن قوای ادراکی و ...) فراهم باشد، بتوانیم آن چیز را به طور موجه باور کنیم. در این حالت دارای توجیه وضعیتی هستیم (Idem, 1993, p275). توجیه وضعیتی ما، ممکن است با باورهای موجه بالفعل همراه باشد یا نباشد اما بدون توجیه وضعیتی، هیچ‌گاه توجیه باوری وجود نخواهد داشت (Idem, 2011, p3).

توجیه وضعیتی، موقعیتی است که (S) با قرار گرفتن در آن آمادگی باور پیدا کردن به (P) را به نحو موجه پیدا می‌کند. این مهم نیست که او (P) را باور می‌کند یا نه، بلکه مهم این است که همه چیز برای باور داشتن (S) به (P) برای شخص (S) فراهم است.

توجیه گزاره‌ای^۲: توجیه گزاره‌ای، توجیه برای یک گزاره (P) است با صرف نظر از وضعیت و موقعیت باورنده^۳ (S) و به طریق اولی با صرف نظر از این است که باورنده (S) به آن گزاره (P) باور بالفعل دارد یا خیر. تصور کنید گزاره «جک مجرم است» در قالب فرضیه‌ای برای کار آگاهان مطرح شود. فرض کنید هیچ‌کس مدرکی مبنی بر مجرم بودن جک ندارد (بنابراین هیچ‌کس واجد توجیه وضعیتی نسبت به آن نیست)، اما ممکن است، بعد از تحقیقات مختصری، حقایقی بر ملا شود و این فرضیه که «جک مجرم است»، تأیید شود. توجیه گزاره‌ای در نسبت با باورکنندگان بالقوه تعریف می‌شود لیکن از هیچ شخص حقیقی به نحو بالفعل، مورد انتظار و قابل پیش بینی نیست (Ibid) و به همین خاطر به حد توجیه وضعیتی نمی‌رسد.

توجیه ساختاری^۴: آثودی از دریچه‌ی توجیه گزاره‌ای، به قسم چهارم توجیه می‌رسد. وی معتقد است که فیلسوفان بیش از قسم سوم به آن کم توجهی کرده‌اند. به عقیده‌ی نویسندگان مقاله، این کم توجهی می‌تواند ناشی از این باشد که روایت غالب معرفت‌شناسان از فرآیند معرفت، روایتی صرفاً آثودی و فعلی است. آثودی به حقیقتی توجه می‌دهد که این روایت لحظه‌ای را دچار تزلزل می‌کند و جنبه‌ی فرآیندی و وابسته به فاعل معرفت را بیشتر تقویت می‌کند.

- 1 . Situational justification
- 2 . Propositional justification
- 3 . Believer
- 4 . Structural Justification

توجیه ساختاری به مثابه دستور درون‌گروی آئودی ۵۱

آئودی می‌کوشد در یک داستانک از توجیه ساختاری پرده برداری کند:

تصور کنید گیل دانشجوی من و به دنبال پیدا کردن شغلی است. من در اینکه گیل در زمینه‌ی صلاحیت‌های عمومی [برای احراز شغل] به عنوان معلمی توانمند مناسب است، باور دارم. اما در عین حال می‌دانم که رقابت [میان داوطلبان جوینده‌ی کار] بسیار سخت و نزدیک است. بنا بر این من در باور (داشتن یا نداشتن) به اینکه «گیل در نخستین مرحله، شغل را از آن خود خواهد کرد» موجه نیستم زیرا دارای توجیه وضعیتی نیستم.

اکنون فرض کنید من از گشایشی در خصوص یک موقعیت شغلی در بخشی خاص مطلع شده‌ام که بنا بر آن دلیل خوبی دارم که احراز آن شغل توسط گیل را به احتمال زیاد باور کنم، هر چند هنوز درباره‌ی گیل فکر نکرده‌ام و در خصوص او و شغل چنین نتیجه‌گیری‌ای [که در مرحله نخست شغل را احراز خواهد کرد،] نکرده‌ام. اگر به مدرسه مورد نظر (که گیل می‌خواهد در آنجا معلم شود) بیاندیشم، نتیجه‌ی خواهم گرفت که آنها به یک معلم عمومی نیاز دارند و تصمیم دارند یک معلم زن استخدام کنند. همین‌طور می‌دانم آنها توصیه‌نامه‌ی من برای گیل را بسیار جدی می‌گیرند.

مجدداً تصور کنید گشایش کاری دیگری نیز (برای گیل) در بخشی مشابه بخش یادشده وجود دارد که واقعیت‌ها در مورد آن متفاوت است اما تأملی (در آنچه می‌دانم) مرا به باور کردن آن با مجوزی مشابه مورد قیل، سوق می‌دهد اگر چه در اینجا هم مانند مورد قبل، با استدلال و فکر این چنین نتیجه‌گیری نکرده‌ام. اکنون تصور کنید که موعد [ارائه] توصیه‌نامه‌ها فرارسیده است و من فکر نمی‌کنم برای گفتن چیزی [در خصوص احراز یا عدم احراز شغل توسط گیل] موجه باشم و قضاوتم در این باره را معلق می‌گذارم.

ناگهان حافظه‌ام را جستجو می‌کنم و دو گشایشی که قبلاً شنیده بودم را به یاد می‌آورم. اکنون ممکن است در باور کردن موجه باشم و حتی ممکن است به طور موجه باور کنم که «گیل در مرحله نخست، شغلی را از آن خود خواهد کرد». این مثال نشان می‌دهد هنگامی که گزاره‌ی «گیل در مرحله نخست، شغلی را احراز خواهد کرد»، بر پایه‌ی کلیه‌ی شواهدی که حاوی باورهای من بود، در ابتدا برای من موجه نبود، لیکن برای من قابل توجیه بود. اکنون می‌خواهم این نوع از توجیه که قبلاً از آن با عنوان گشایش‌ها و اندیشیدن راجع به آنها یاد کرده‌ام را توجیه ساختاری بنامم (Audi, 1993, p276).

آئودی معتقد است در مثال یادشده، او به عنوان معلم گیل، ساخت‌هایی برای توجیه دارد، اما آن ساخت‌ها متحد و یکپارچه نیستند و به همین خاطر آن گونه که در دستگاه شناختی وی موجود اند به حد

توجیه (مصطلح یعنی توجیه وضعیتی) نمی‌رسند. به طور کلی منظور از دستگاه شناختی، پیکره‌ی باورها^۱، تمایل به داشتن باورها^۲، گرایش‌های استنباطی^۳، حافظه^۴ و خودآگاهی^۵ است (Ibid, p277). آئودی نامیدن چنین توجیهی به نام [توجیه] ساختاری را، ناشی از زمینه‌هایی می‌داند که به وسیله‌ی تأمل در ساختار شناختی در دسترس قرار می‌گیرند. آئودی (در مورد داستانک گیل) می‌گوید: «به یک معنا من توجیه داشتم اما آن توجیه در فهرست شناختی من دفن شده بود» (Ibid).

توجیه ساختاری به مثابه دستاورد

در ترسیم چگونگی دست‌یابی به توجیه ساختاری، ظاهر عبارات آئودی و به طور خاص، دسترسی و تأمل، بیشتر رنگ و بوی درون‌گروی دارند و به نحوی برجسته، درون‌گرا بودن وی را نمایان می‌سازند لیکن کیفیت بیان آئودی مبنی بر تولید توجیه از پیکره‌ی باورهای موجود، می‌تواند نشانگر مبنای‌گرایی وی در ساختار توجیه باشد. مبنای‌گرایی با تفکیک باورها به دو قسم پایه (غیر استنتاجی) و غیر پایه (استنتاجی)، مسیر توجیه را خطی ترسیم می‌کند. در این نظریه، توجیه باورهای غیر پایه با واسطه یا بدون واسطه به باورهای پایه متکی و وابسته است و باورهای پایه برای توجیه به باور دیگری وابسته نیستند و خودموجه اند^۶ (Moser, 1999, sv). اما در انسجام‌گرایی هیچ باور خودموجهی وجود ندارد و این سازگاری دوسویه‌ی یک باور با مجموعه‌ای از باورهاست که سبب توجیه آن باور می‌شود. بر اساس نظریه‌ی انسجام‌گروی، یک باور به طور کامل موجه است، اگر و تنها اگر با منظومه‌ای از باورها انسجام داشته باشد^۷ (لیر، عبداللهی؛ ۱۳۹۶، ۲۳۱).

در تکوین توجیه ساختاری، باورهای موجود در دستگاه شناختی فرد که هنوز به حد توجیه وضعیتی نمی‌رسند، مبنای تشکیل توجیه ساختاری قرار می‌گیرند. در این مقام، تقریر آئودی از باورهای موجود به نحوی است که گویی آنها را خودموجه و بی‌نیاز از تکیه به باوری دیگر تلقی می‌کند که ناشی از دیدگاه مبنای‌گروانه

- 1 . body of beliefs
- 2 . dispositions to believe
- 3 . inferential tendencies
- 4 . memory
- 5 . consciousness

۶ . الگوی نظریه‌ی مبنای‌گرایانه به این نحو است: شخص S در باور به P تنها و تنها در صورتی موجه است که P برای شخص S یا واقعاً پایه (غیر استنتاجی) باشد و یا در نهایت به باوری پایه ختم شود.

۷ . الگوی نظریه‌ی انسجام‌گرایانه به این نحو است: S در پذیرش قضیه‌ی P به طور کامل موجه است اگر و تنها اگر باور به قضیه‌ی P با دیگر باورهای متعلق به منظومه‌ی C متشکل از باورهای نوع K انسجام داشته باشد.

توجیه ساختاری به مثابه دستاورد درون‌گروی آئودی ۵۳

ی اوست. البته آئودی دیدگاه خود را «مبناگروی معتدل» می‌خواند و نگاه به انسجام‌گروی نزدیک می‌شود که بررسی مبناگروی ارائه شده از سوی وی، مجاللی موسّع و مستقل می‌طلبد.

رابطه اقسام توجیه با یکدیگر و جایگاه توجیه ساختاری

توجیه باوری تنها در جایی وجود دارد که توجیه وضعیتی باشد اما ممکن است توجیه وضعیتی منجر به توجیه باوری نشود. توجیه باوری هنگامی ایجاد می‌شود که یک باور بر پایه‌ی امری قرار گیرد که یک توجیه وضعیتی متناسب با آن باور فراهم می‌کند و توسط آن حمایت شود (Idem, 2011, p3). این امر همان است که در آینده از آن به عامل توجیه یا توجیه‌گر یاد می‌کنیم.

جایی که توجیه گزاره‌ای وجود دارد، ممکن است، توجیه وضعیتی و به تبع آن توجیه باوری ایجاد شود، اما چنانچه برای یک گزاره هیچ توجیه گزاره‌ای متصور نباشد، دو قسم توجیه دیگر نیز منتفی هستند. در حقیقت نبودن توجیه گزاره‌ای برای (P) و یا به عبارت دقیق‌تر موجه بودن نقیض (P)، مساوی با منتفی بودن توجیه وضعیتی و باوری برای گزاره (P) است. توجیه گزاره‌ای خواه کسی نسبت به آن گزاره، باور موجه داشته باشد و یا نداشته باشد و خواه کسی به لحاظ موقعیتی نسبت به باور داشتن گزاره موجه باشد و یا نباشد، می‌تواند [مستقلاً] موجود باشد (Ibid). گذار از توجیه گزاره‌ی به توجیه وضعیتی همیشه از همه‌ی افراد قابل انتظار نیست (Idem, 1993, p275).

همان‌طور که توجیه وضعیتی، زمینه‌ای برای ایجاد باور موجه است، توجیه ساختاری، دستگاه مولدی است که این زمینه را تولید می‌کند. توجیه ساختاری همان‌گونه که پیداست، توجیهی پیش-وضعیتی است به نحوی که برای گذار از توجیه ساختاری به توجیه وضعیتی شخص باید باور یا باورهای مناسب را مرتب کند یا تجربه‌ای مرتبط داشته باشد (Ibid). نگاه بین ادراک آغازین ما و قرار گرفتن در موقعیت توجیه وضعیتی ناشی از آن ادراک، فاصله‌ای زمانی وجود دارد اما پس از طی شدن زمان به هیچ ادراک تازه‌ای از منابع توجیه و معرفت برای یافتن توجیه وضعیتی نیاز نداریم بلکه فقط کافی است آنچه در دسترس داریم را به نحو مناسب و متفاوتی «چینش» کنیم تا واجد توجیه وضعیتی شویم. به نظر می‌رسد، علت کم توجیهی معرفت‌شناسان پیش از آئودی به توجیه گزاره‌ای و ساختاری، بی‌توجهی آنها به این واقعیت است که ما گاهی چیزی را می‌دانیم اما به نحو آنی و بالفعل از آن برای توجیه استفاده نمی‌کنیم.

در داستانتک گیل، زمینه‌های شناختی آئودی، وی را برای باور داشتن به اینکه «گیل در دور نخست شغلی کسب خواهد کرد»، راهنمایی کرد. آئودی می‌گوید: «وقتی این باورها را مرتب کردم، به نوبه‌ی خودم به لحاظ وضعیتی در باور به گزاره‌ی موردنظر، موجه بوده‌ام. زیرا من آنها را به عنوان نتیجه‌ی دست‌یابی به

موادی که از قبل در دستگاه شناختی ام بود، مرتب کردم به جای اینکه مشاهدات تازه ای داشته باشم یا به گواهی دیگران متوسل شوم. توجه اصلی من (در اینجا) به درستی، ساختاری است.» (Audi, 1993, p276).

درون‌گروی ناظر به توجه و توجه ساختاری

نگارندگان در این بخش می‌کوشند با توجه به دستگاه معرفتی آئودی و دیدگاه درون‌گروانه‌ی ویژه‌ی او به این پرسش پاسخ دهند که نوآوری آئودی در خصوص توجه با دیدگاه معرفتی وی چه نسبتی دارد؟ اختلاف میان درون‌گروی^۱ و برون‌گروی^۲، یکی از چالش‌های سابقه‌دار و پررنگ در معرفت‌شناسی است که ابتدا در ارتباط با معرفت مطرح گردید ولی به سرعت وارد بحث توجه شد و وصفی برای نظریه‌ی معرفت‌شناسان در خصوص ماهیت توجه قرار گرفت (Goldman, 2009, p1). توجه ساختاری آئودی، با توجه به دیدگاه اش درباره‌ی ماهیت توجه یعنی درون‌گروی ناظر به توجه، قابل توضیح است.

درون‌گروی و برون‌گروی

درون‌گروی در شایع‌ترین معنایش به معنای دسترسی درونی و آگاهانه باورنده به محمل توجه (به عنوان مثال از طریق تأمل) است. بنابراین می‌توان برون‌گروی را با عدم دسترسی به محمل توجه و عدم آگاهی از عامل توجه کننده بازشناخت (Alston, 2005, sv Internalism & Externalism in Epistemology, p455). دو قرائت مشهور از برون‌گروی وجود دارد: اعتماد‌گرایی (وثاقت‌گروی)^۳ و طبیعت‌گرایی^۴. تفسیر طبیعت‌گرایانه از برون‌گروی در حقیقت، اصل توجه را شرط لازم معرفت نمی‌داند (پویمن، ۱۳۸۷، ص ۳۰۱). و تلاش می‌کند جریان معرفت را غیرشناختی و به عنوان امری مادی و طبیعی توضیح دهد. بنابراین پرداختن به آن از موضوع این نوشتار خارج است.

از سوی دیگر از دیدگاه گلدمن، به ازای هر تفسیر از درون‌گروی، یک دیدگاه برون‌گروانه وجود دارد که محدودیت موجود در تعریف درون‌گرایانه را نفی می‌کند (Goldman, 2009, p4). به عقیده‌ی نویسندگان، طبیعت‌گرایی را باید به عنوان دیدگاه رقیب «معرفت‌شناسی» طرح و بررسی کرد و نه به عنوان زیرمجموعه‌ی قسیم مقابل درون‌گروی که یک دیدگاه معرفت‌شناسانه است. لذا در ادامه آنچه تحت عنوان برون‌گروی می‌آید، مبتنی بر تفسیر اعتماد‌گرایانه است.

درون‌گروی در مورد توجه، دسترسی به عامل توجه را، ضروری می‌داند، در حالی که برون‌گروی این الزام را رد می‌کند (Moser, 1999, sv Epistemology-Causal and contextualist theories, p276).

- 1 . Internalism
- 2 . Externalism
- 3 . Reliabilism.
- 4 . naturalism

توجیه ساتاری به مثابه دستاورد درون‌گروی آئودی ۵۵

اما در هر موضوع معرفت، همیشه تنها یک عامل توجیه وجود ندارد، در نتیجه کیفیت به کارگیری عوامل نیز تعیین کننده است.

عامل توجیه (توجیه گر^۱) و شرط استخدام عوامل^۲

به عواملی که به فاعل شناسا کمک می‌کنند تا در وضعیت توجیه قرار بگیرد، عامل توجیه یا توجیه گر گفته می‌شود. در هر قضیه‌ی شناختی توجیه گر یا توجیه‌گرهایی متناسب و مقتضی با موضوع و منبع معرفت قابل تصور است.

همان‌طور که گفتیم، برای توجیه یک گزاره و معرفت داشتن به آن در بیشتر موارد، عوامل توجیه متعدّدند. بنابراین درون‌گروی و برون‌گروی دو پاسخ مختلف به این پرسش‌ها هستند که؛ «در جایی که همه عوامل توجیه بالاتفاق بیرونی یا درونی نیستند، توجیه چه ماهیتی دارد؟ کدام دسته از عوامل در تعیین جنس توجیه مؤثر اند؟ چه معیاری برای ترجیح برون‌گروی بر درون‌گروی یا بالعکس وجود دارد؟» (Goldman, 2009, p2) این مسأله با عنوان «شرط استخدام عوامل» مطرح می‌شود.

برای پاسخ به مسأله‌ی «شرط استخدام عوامل» دو معیار و ضابطه‌ی ممکن وجود دارد؛ معیار وجودی^۴ و معیار اکثریت^۵. بنا بر معیار وجودی، که بر طرفدارتر است، اگر یک عامل از عوامل توجیه بیرونی باشد، ماهیت توجیه بیرونی خواهد بود. لذا تنها در حالتی توجیه، درونی است که همه‌ی عوامل توجیه، بالاتفاق، درونی باشند. اما بنا بر معیار اکثریت، ماهیت توجیه، تابع ماهیت اکثریت عوامل است (Ibid).

درون‌گروی و برون‌گروی مقید و مطلق

هر چند عموماً برون‌گروان و درون‌گروان، در مورد توجیه و معرفت رویکرد واحد و یک‌جانبه اتخاذ می‌کنند، آئودی برخلاف سایرین رویکردی تفصیلی دارد. منشأ این تفاوت این است که وی، شالوده‌ی معرفت و توجیه و حتی اصول و منابع این دو را ذاتاً یکسان نمی‌داند. بر این اساس حکم معرفت و توجیه به نسبت درونی یا بیرونی بودن آن چهار حالت محتمل دارد: درون‌گروی در توجیه و معرفت، برون‌گروی در توجیه و معرفت، درون‌گروی در توجیه و برون‌گروی در معرفت و برون‌گروی در توجیه و درون‌گروی در معرفت.

آئودی دیدگاه خود را دیدگاهی «آمیخته» یا «مقید» به معنای غیرهمسان در توجیه و معرفت، معرفی می‌کند.

- 1 . J-factor
- 2 . Justifier
- 3 . Term of Engagement
- 4 . Existential
- 5 . Majoritarian

کند و آن را در مقابل دیدگاه «ناب^۱» یا «مطلق^۲» که میان جنس معرفت و توجیه تفاوت نمی‌گذارد قرار می‌دهد. بر اساس دیدگاه ناب، حکم معرفت و توجیه یکی است، یا هر دو درونی هستند و یا هر دو بیرونی. آثودی معتقد است دیدگاه مطلق یا ناب را نمی‌توان پذیرفت (ibid). لذا دو حالت نخست را به کلی رد می‌کند. از میان دو دیدگاه مقید و تفصیلی باقی مانده نیز، برون‌گروی در توجیه و درون‌گروی در معرفت نیز با توجه به اینکه توجیه به عنوان شرط حصول معرفت، اخص از آن است، غیرممکن خواهد بود. در نتیجه آثودی قائل به «درون‌گروی ناظر به توجیه و برون‌گروی ناظر به معرفت» است.

تفسیرهای درون‌گروی

افزون بر مقید یا مطلق بودن دیدگاه، حداقل دو تفسیر مشهور از درون‌گروی وجود دارد: درون‌گروی مبتنی بر حالت درونی^۳ و درون‌گروی مبتنی بر دسترسی^۴ (فیومرتون، ۱۳۹۳، ۱۰۴-۱۰۶). منظور از حالت درونی در تفسیر نخست، یک حالت صرفاً ذهنی^۵ است. حالات درونی یک شخص حالاتی هستند که لازمه‌ی آنها صرفاً تحقق خصوصیات غیراضافی توسط شخص مذکور است. و منظور از غیراضافی، خصوصیتی است که تحقق آن مستلزم وجود بیش از یک ذات (در اینجا فاعل شناسا) نیست.

دیدگاه مبتنی بر حالت درونی با سؤال‌ها و ابهامات زیادی روبه‌رو است که خلاص شدن از آنها بسیار دشوار است. شاید این قضیه در مهجور ماندن این دیدگاه نسبت به دیدگاه مبتنی بر دسترسی بی‌تأثیر نبوده است.

تفسیر مبتنی بر دسترسی، مشهورتر و همین‌طور رایج‌تر از تفسیر مبتنی بر حالت درونی است. بر اساس تفسیر مبتنی بر دسترسی، تنها چیزی می‌تواند محمل توجیه برای فاعل شناسا باشد که فاعل شناسا به آن آگاهی دارد (Alston, 2005, sv Internalism & Externalism in Epistemology, p455).

تأمل^۶ و دسترسی^۷ دو محور مهم درون‌گروی مبتنی بر دسترسی‌اند. دو قرائت سخت‌گیرانه یا اکثری^۸ و سهل‌گیرانه یا اقلی^۹ از دسترسی برای درون‌گروی وجود دارد (کشفی، ۱۳۸۵، ص ۷۳). بر اساس دیدگاه اکثری، هنگامی که شخص (S) توجیهی برای باور داشتن (P) دارد، (S) مستقیماً و بی‌واسطه و بالفعل می‌داند

-
- 1 . Pure
 - 2 . unrestricted
 - 3 . Internal state internalism.
 - 4 . Accessibilism
 - 5 . Mental
 - 6 . Reflection
 - 7 . Access
 - 8 . strong.
 - 9 . weak.

توجیه ساختاری به مثابه دستاورد درون‌گروی آئودی ۵۷

که واجد توجیه برای دانستن (P) است و هر آینه آن را به یاد دارد (فیومرتون، ۱۳۹۳، ۱۰۶). اما بر اساس دیدگاه اقلی، شخص واجد توجیه، در حالتی قرار دارد که به توجیه و ریشه‌های آن دسترسی بالقوه دارد (همان، ص ۱۰۷).

دیدگاه آئودی به توجیه؛ درون‌گروی مقید مبتنی بر دسترسی اقلی

آئودی در ارتباط با توجیه، درون‌گرا است (Williamson, 2007, p106). آئودی از حیث اطلاق و تقیید، قائل به درون‌گروی مقید یا به تعبیر خودش درون‌گروی ناظر به توجیه است. او دیدگاهش را «درون‌گروی ناظر به توجیه و برون‌گروی ناظر به معرفت» می‌نامد (Audi, 2011, p273).

درونی در این بحث به معنای چیزی است که به آن دسترسی درون‌نگرانه داریم و امر درونی شامل باورها، تأثرات بصری و دیگر ادراکات و افکار می‌شود (Audi, 1993, p332). دیدگاه آئودی در دسته‌ی درون-گروی مبتنی بر دسترسی طبقه بندی می‌شود. البته با تأکید به این نکته که منظور از دسترسی در این تعریف قابلیت دسترسی و دسترسی بالقوه است و نه بالفعل. بنابراین از این حیث نیز دیدگاهی حداقلی دارد و نه حداکثری.

آئودی تأکید می‌کند که دسترسی به چیزی به معنای در دست داشتن آن نیست؛ دسترسی معنای بالقوه^۱ دارد و در دست داشتن معنایی بالفعل^۲ (Williamson, 2007, p106). در نتیجه می‌توان گفت، آئودی در توجیه از یک سو از «درون‌گروی ناظر به توجیه» دفاع می‌کند و از سوی دیگر قائل به دیدگاه درون‌گروی مبتنی بر دسترسی بالقوه است. به عقیده‌ی او امر دسترس پذیر شامل چیزی است که واقعاً (البته بالقوه) در خود آگاهی وجود دارد (Audi, 2011, p273) و از طریق درون‌نگری^۳ و یا تأمل، قابل فراخوانی (و دسترسی) است (Ibid).

توجیه ساختاری و درون‌گروی مبتنی بر دسترسی

آئودی در توجیه، قائل به درون‌گروی مبتنی بر دسترسی است و توضیحی که درباره‌ی توجیه ساختاری می‌دهد مؤید حضور و تأثیر همین رویکرد در توجیه ساختاری است: «من ساختار مربوطه را نه تنها از آن حیث که شناختی است بلکه از جنبه‌هایی که مربوط به توجیه موضوع مورد نظر بوده و از طریق تأملی درونی در دسترس من قرار می‌گرفت، آورده‌ام» (Audi, 1993, p278).

1 . Potential
2 . actualization.
3 . Introspection

در بعضی موارد این تنها تأمل گسترده (در داشته‌های ذهنی است) است که عناصر توجیه را نزد ذهن حاضر می‌کند (Audi, 1993, p278). در توجیه ساختاری، توجیه‌گرها تنها از طریق تأمل مؤلّد (یا تفکر) در دسترس اند: نوعی از تأمل که از طریق آن هنوز باوری تولید نمی‌شود لیکن توجیه وضعیتی از آن حاصل می‌شود. تأمل مؤلّد، به واسطه‌ی تولید زمینه‌های جدید، تولید توجیه می‌کند. تأثیر نگرش درون‌گروانه آئودی در تبیین توجیه گزاره‌ای (توجیه نوع سوم) نیز قابل مشاهده است: «در واقع حتی توجیه گزاره‌ای تنها به این خاطر که گزاره مورد نظر فی الجمله قابل توجیه است، وجود ندارد بلکه به این خاطر وجود دارد که شخص ویژگی‌های حقیقی‌ای دارد که شواهد مرتبط را در دسترس او قرار می‌دهد» (Audi, 1993, p279).

آئودی با استفاده از ظرفیت درون‌گرویی مورد اتباع خود (درون‌گرویی ناظر به توجیه) که در جای دیگر از اصل آن در نزاع با برون‌گرویی دفاع می‌کند، فرآیند توجیه باور را از مبدأ درونی آن (شامل باورها، ادراکات حسی و اندیشه‌ها) تا رسیدن به توجیه باوری به عنوان شرط ضروری معرفت، صورت بندی می‌کند.

فایده‌ی اقتراح توجیه ساختاری

همان‌طور که بیان شد توجیه ساختاری آئودی، نتیجه دیدگاه درون‌گروانه‌ی وی به توجیه است. لیکن در مقام دفاع از درون‌گرویی در مقابل رقیب جوانش (برون‌گرویی)، توجیه ساختاری می‌تواند دلیلی بر تقویت جانب درون‌گرویی نیز باشد. آئودی انواع توجیه را چهار قسم می‌داند و توجیه گزاره‌ای و ساختاری را به توجیه وضعیتی و باوری که متعارف بوده‌اند می‌افزاید. نتیجه‌ی محوری این تقسیم، معرفی توجیه ساختاری به عنوان ریشه و منشأ تشکیل فرآیند توجیه است. توجیه ساختاری چه نتایج معرفتی‌ای به دنبال دارد؟

توجیه ساختاری و تشکیک توجیه

تشکیک اصطلاحی منطقی و فلسفی است به معنی اطلاق لفظی واحد بر چند چیز مختلف، به نحوی که آن لفظ در عین داشتن اشتراک معنایی، نه به طور یکسان، بلکه به درجات متفاوتی بر آن چیزها صدق کند؛ مانند زیبا و روشن. در برابر معانی تشکیکی، آن قبیل از معانی کلی قرار دارند که به نحو یکسانی بر افراد خود حمل می‌شوند و به آنها متواطی گفته می‌شود (ساکت اف، ۱۳۶۷، ذیل مدخل تشکیک، ۳۷۲-۳۷۳). تشکیک در اصطلاح فلسفه، اگرچه با قرائت ملاصدرا‌ی شیرازی مشهور شده است ولی مبانی آن به ویژه در تشکیک منطقی، در سخنان فیلسوفان اسلامی پیشین دیده می‌شود (ایراندوست، ۱۳۹۴، ۱۲۷). فارابی الفاظی را مشکک می‌داند که به برخی از صفات و اعراض مشترک در اشیاء که تفاوت آنها فقط از حیث تقدم و تأخر است، اطلاق می‌شوند (فارابی، ۱۳۶۷، ۹۱). ابن‌سینا نیز به صراحت از تشکیک سخن می‌گوید (ابن‌سینا، ۱۳۷۱، ۴۱) و ملاصدرا تشکیک را به عنوان یکی از مبانی هستی‌شناختی خود اخذ می‌کند (ملاصدرا، ۱۹۸۱).

آئودی در توجیه، قائل به درون‌گروی مبتنی بر دسترسی بالقوه است. وی در توجیه ساختاری دسترسی را با خودآگاهی، درون‌نگری و تأمل همراه می‌داند (Audi, 2011, p273). به عبارت دیگر توجیه برای فاعل شناسا، با دسترسی او رابطه‌ی مستقیم دارد و میزان دسترسی او نیز تماماً وابسته به خودآگاهی، درون‌نگری و تأمل خود اوست. ناگفته پیداست که همه‌ی افراد و فاعل‌های شناسا، در دسترسی به پیکره‌ی باورها، حافظه و خودآگاهی، وضع یکسانی ندارند. در نتیجه با طیفی از دسترسی‌ها در فاعل‌های شناسای مختلف رو به رو هستیم. بنابراین توجیه ساختاری ماهیتی طیفی و مشکک خواهد داشت.

آئودی توجیه گزاره‌ای را نیز در نسبت با باورکنندگان بالقوه قابل تعریف می‌داند (Idem, 1993, p275). شاید بعضی از باورکنندگان برخلاف سایرین هیچ‌گاه به توجیه بالفعل گزاره‌ی موردنظر دست نیابند. اما توجیه وضعیتی و توجیه باوری چگونه؟ توجیه وضعیتی حاصل فرآیند توجیه گزاره‌ای و ساختاری است. توجیه باوری نیز تنها در حالی به وجود می‌آید که باورنده در موقعیت توجیه وضعیتی قرار بگیرد. دست‌یابی به توجیه وضعیتی تابعی از فرآیند یادشده و دسترسی فاعل شناساست لذا آن هم به نسبت باورندگان گوناگون مشکک است. توجیه باوری نیز نخست به همین دلیل و دوم از آن جهت که آگاهانه یا ناآگاهانه، متأثر از عوامل دیگری چون انگیزه‌های عاطفی، حب و بغض، فراموشی، غفلت و مانند آن است، به نحو مضاعف مشکک خواهد بود. به عقیده‌ی نویسندگان، مشکک دانستن مجموعه‌ی فرآیند توجیه، نتیجه‌ی طبیعی درون‌گروی مبتنی بر دسترسی است.

توجیه ساختاری و افزایش ظرفیت توجیه

دلیل اختلاف آرای معرفت‌شناسان درباره‌ی توجیه و دشواری پیدا کردن قدری جامع در میان آرای آنها معلوم نبودن معنای «باور موجه» است. معنا کردن موجه به صحیح^۱ نیز کمکی به روشن شدن این ابهام نمی‌کند چرا که صحیح را می‌توان تحسین برانگیز^۲ و یا مجاز^۳ و مخالف ناصحیح معنا کرد و همچنین می‌توان صحت را در وجهی انفسی^۴ و با معیار شخصی و یا آفاقی^۵ و با معیار نوعی فهم کرد (زاگزیسکی، ۱۳۹۳، ۲۶۰).

در سنجش نسبت توجیه با یک گزاره، شیوه‌ی متداول معرفت‌شناسان سنجش باور از حیث توجیه وضعیتی است. اگر توجیه، منحصر به توجیه وضعیتی (که دارای معیار نوعی و خاصیت عمومی است) باشد

1 . right
2 . commendable
3 . permissible
4 . Subjective
5 . Objective

گزاره‌هایی که در مواجهه معرفتی، با آنها روبه‌رو هستیم، یا (برای همه) موجه‌اند و یا (برای همه) ناموجه‌اند. اما اگر بگوییم گزاره‌هایی هستند که برای همه موجه نیستند و می‌توانند برای افراد خاصی که مثلاً دارای ششم پلیسی بیشتر، یا هوش فراوان‌تر یا تجربه‌ی بیشتر در موضوعی خاص هستند، موجه باشند، از توجیه گزاره‌ای سخن گفته‌ایم. چه اینکه ظرفیت توجیه شدن در خود گزاره موجود بوده است اما نمی‌توانستیم انتظار داشته باشیم که هر کسی آن را کشف کند.

نمونه‌هایی از توجیه ساختاری نیز در داستان‌های پلیسی و کارآگاهی قابل مشاهده است. به عنوان یک مثال بارز می‌توان به داستان‌های شرلوک هولمز^۱ کارآگاه انگلیسی اشاره کرد. هولمز از نشانه‌هایی که به چشم هیچ‌کسی نمی‌آید، مجرم را می‌یابد و وقتی در آخر هر داستان، مسیر استنباط‌های خود را توضیح می‌دهد. نکته‌ی مهم معرفتی، این است که با تمام شدن توضیحات هولمز سایرین (و خواننده)، دلایل او را هوشمندانه می‌یابند و ضمن تصدیق اینکه توجیه لازم برای باور کردن حرف‌هایش وجود دارد، هوش و ذکاوتش را تحسین می‌کنند. شواهد و دلایل هولمز معمولاً همان چیزهایی است که دیگران و حداقل دستیار و همراهش دکتر واتسون هم از آنها آگاه است، اما این هولمز است که می‌تواند توجیه را از دل دلایل بیرون بکشد.

توجیه فرآیندگونه و تقویت درون‌گروی در توجیه

توجیه ساختاری هم حاصل درون‌گروی و هم تقویت‌کننده‌ی درون‌گروی است زیرا بر ظرفیت این دیدگاه برای تبیین توجیه نسبت به دیدگاه رقیب یعنی برون‌گروی می‌افزاید. برون‌گروی رویکردی است که می‌کوشد، برای توجیه، معیاری بیرونی و یکسان برای همه ارائه دهد و ابهام دیدگاه درون‌گروانه را برطرف کند. چه اینکه یک پدیده‌ی عینی و بیرونی خیلی ساده‌تر و شفاف‌تر قابل تبیین و توضیح و توافق است تا یک پدیده‌ی درونی و ذهنی. برون‌گراها کوشیدند با جدا کردن توجیه از ذهن و بیرونی دانستن آن، از توجیه در تعریف و معیار دست‌یابی ابهام زدایی کنند اما آثودی برای رفع این نقص راه دیگری انتخاب کرد. آثودی ضمن پافشاری بر درونی بودن توجیه، با تبیین انواع و مراحل فرآیند توجیه، آن را از ابهام درآورده و صورت‌بندی کرده است. به عبارت دیگر آثودی چیزی که نقص درون‌گروی و امتیاز برون‌گروی محسوب می‌شد را در دیدگاه درون‌گروی ناظر به توجیه خود ایجاد کرده است.

چنانچه به جای اینکه درون‌گروی را با روایتی آنی و لحظه‌ای بفهمیم، بتوانیم آن را به عنوان یک فرآیند که مراحل شناخته شده‌ای را در دستگاه شناختی ما طی می‌کند، باز شناسیم، دست‌یابی به حالتی اعتمادپذیر در درون‌گروی قابل تصور است که نگرانی‌های برون‌گرایان را نیز برطرف می‌کند.

نتایج مقاله

از بررسی مسأله‌ی پژوهشی این نوشتار، موارد ذیل قابل نتیجه‌گیری است:

یکم. غالب معرفت‌شناسان توجیه را با دو عنوان توجیه باوری و توجیه وضعیتی معرفی و دست‌یابی به توجیه را نقطه‌ای و دفعی‌تقریر می‌کنند. آئودی توجیه را چهار نوع می‌داند؛ باوری، وضعیتی، گزاره‌ای و ساختاری. دو قسم اخیر، نوآوری آئودی بوده و به طور خاص توجیه ساختاری، تعریف مشهور از توجیه را گسترش می‌دهد. توجیه ساختاری زمینه‌ی به وجود آمدن توجیه وضعیتی و توجیه باوری را فراهم می‌آورد. دوم. آئودی در توجیه قائل به درون‌گروی مبتنی بر دسترسی اقلی است. او دسترسی، تأمل، خودآگاهی، و درون‌نگری را در رسیدن به توجیه باور، محوری می‌داند. از سوی دیگر، او توجیه ساختاری را در سایه‌ی تأمل، مولد زمینه‌ی باور یا توجیه وضعیتی می‌داند و دسترسی به توجیه ساختاری را از طریق درون‌نگری، ترسیم می‌کند. تمسک به تأمل و درون‌نگری، ابزارهایی هستند که به واسطه‌ی اعتقاد به درون‌گروی ناظر به توجیه در اختیار آئودی قرار گرفته‌اند.

سوم. پذیرش اقسام چهارگانه‌ی توجیه، و قبول نقش بنیادین توجیه ساختاری در میان آنها، زمینه‌ی بازشناختن توجیه به مثابه یک فرآیند و صورت‌بندی توجیه در عین درونی‌دانستن آن را فراهم می‌کند. آئودی مراحل توجیه را از ابتدای مواجهه با یک گزاره یعنی از حالت بالقوه‌ی ذهنی باورنده به گزاره تا رسیدن به توجیه باوری در فاعل شناسا را به مثابه یک فرآیند، به تصویر می‌کشد. این دیدگاه ضمن اینکه رویکرد درون‌گروی را نسبت به رقیب جوان‌ترش یعنی برون‌گروی (ناظر به توجیه) تقویت می‌کند، با فرآیند دانستن توجیه، ظرفیت توضیحی دیدگاه درون‌گروی ناظر به توجیه را بر پایه‌ی مراحل یادشده، در موقعیت‌های معرفتی افزایش می‌دهد.

کتابشناسی

- ابن سینا، حسین بن عبدالله. (۱۳۷۱). *المباحثات*، تصحیح محسن بیدارفر، قم: بیدار.
- افلاطون. (۱۳۹۵). *دوره آثار افلاطون*، ترجمه محمدحسن لطفی، جلد سوم، چاپ چهارم، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- ایراندوست، محمدحسین، شالوده تشکیک وجود در آرای ابن سینا با تأکید بر متن المباحثات، حکمت اسلامی، سال دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۴، ص ۱۲۶-۱۴۳.
- آثودی، رابرت. (۱۳۹۴). *معرفت شناسی*، ترجمه علی اکبر احمدی، چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- پرچارد، دانکن. (۱۳۹۳). *چیستی معرفت*، ترجمه یاسر خوشنویس، چاپ اول، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- پویمن، لوئیس پی. (۱۳۸۷). *معرفت شناسی (مقدمه ای بر نظریه شناخت)*، ترجمه رضا محمدزاده، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
- زاگزبسکی، لیندا. (۱۳۹۳). *معرفت شناسی*، ترجمه کاوه بهبهانی، چاپ دوم، تهران: نشر نی.
- ساکت اف، امیرحسین. (۱۳۶۷). «تشکیک»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱۵، تهران، مرکز دائرة المعارف اسلامی.
- صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم (ملاصدرا). (۱۹۸۱). *الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة العقلیة*، ج ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ص. علی آبادی... و دیگران. (۱۳۹۴). *فلسفه ی تحلیلی (مجموعه مقالات)*، چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- فارابی، محمد بن محمد. (۱۳۶۷). *المنطقیات*، تحقیق محمدتقی دانش پژوه. قم: کتابخانه آیت الله نجفی مرعشی.
- فیومرتون، ریچارد. (۱۳۹۳). *معرفت شناسی*، ترجمه جلال بیگانی، چاپ دوم، تهران: انتشارات حکمت.
- کاپلستون، چارلز فردریک. (۱۳۸۸). *تاریخ فلسفه*، ترجمه سید جلال الدین مجتویی، جاد یکم، یونان و روم، چاپ هشتم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- کرد فیروزجائی، یارعلی. *ماهیت معرفت در نظر افلاطون*، معرفت، سال پانزدهم، شماره دوم، اردیبهشت ۱۳۸۵.
- کشفی، عبدالرسول، تعریف سه جزئی معرفت و شرط چهارم، پژوهشنامه فلسفه دین، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۸۳، ص ۹-۲۸.
- کشفی، عبدالرسول، *دسته بندی نظریه های توجیه، نامه حکمت*، شماره ۸، پائیز و زمستان ۱۳۸۵، ص ۶۵-۸۶.

توییه ساتتاری به مثابه دستاورد درون‌گروی آلودی ۶۳

لرر، کیث.(۱۳۹۷). نظریه معرفت، ترجمه و تحقیق و نقد مهدی عبداللهی، تهران: مؤسسه ی پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.

Alston, William P.(2005)" Internalism & Externalism in Epistemology " in *The Shorter Routledge Encyclopedia of Philosophy*, New York: Routledge.

Audi, Robert.(2011) *Epistemology; A Contemporary Introduction to the Theory of Knowledge (Third Edition)*; Cambridge and New York.

Audi, Robert.(1988). *Belief, Justification and Knowledge*; Wadsworth Publishing Company, Belmont, California.

Audi, Robert.(1993). *The Structure of Justification*; Cambridge and New York.

Copleston, Charles.(1993). Fredrick, *A History of Philosophy (Volume I: Greece and Rome)*, New York: Doubleday.

Craig, Edward, Edition.(1998). *Routledge Encyclopedia of Philosophy*, London and New York: Routledge.

Goldman, Alvin. I.(1967). "A Causal Theory of Knowing" in *The Journal of Philosophy*, Vol. 64, No. 12. (Jun. 22, 1967), pp. 357-372.

Goldman, Alvin. I.(2009). "Internalism, Externalism, and the Architecture of Justification" in *The Journal of Philosophy*, Vol. 0, No

Heineman, Robert.(1997). "The Theaetetus and The Sophist" in *Routledge History of Philosophy (Volume I: From the Beginning to Plato)*, London and New York: Routledge.

Moser, Paul. K.(1999). "Epistemology" in *The Cambridge Dictionary of Philosophy (Second Edition)*; Cambridge and New York.

Plato.(1997). *Theaetetus* in: Complete Works, edited, with introduction and notes, by john m. cooper, associate editor d. s. Hutchinson, hackett publishing company indianapolis/cambridge.

Williamson, Timothy.(2007)."On Being Justified in One's Head" in *Rationality and the Good, Critical Essays on the Ethics and Epistemology of Robert Audi*, Oxford University Press.